

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مائل آلبرکا - Maël Alberca

برگردان از: حمید محوی

۰۲ سپتمبر ۲۰۱۶

فرانسه پشتیبان تروریسم؟

از برده داری تا نو استعماری - بخش ۹

۱۹ اگست ۲۰۱۶

فرانسه در جنگ علیه تروریسم؟ با نگاهی به گذشته به یاد می آوریم که فرانسه نسبت به روشهایی که مدعی مبارزه علیه آنهاست هیچ چیزی کم نمی آورد. نکته نگران کننده این است که، در حال حاضر نیز واقعاً امیدوار کننده نیست...

در اینجا نمی توانیم به تاریخ برده داری و استعمار بپردازیم که اروپای سرمایه داری به شکل گسترده و بی شرمانه از آن برای ثروت اندوزی طبقه بورژوا طی قرون و اعصار بهره برداری کرده است. پرونده این دورانها به شکل گسترده در آرشیف ها موجود است. جنایاتی که قدرت های بزرگ استعمارگر مرتکب شده اند موضوع کتابها، پژوهشها، مقالات و حتا فلمهای مستند بسیاری بوده و خوانندگان می توانند به آنها مراجعه کنند.

در دوران معاصرتر، برای مثال می توانیم از کشتار تیاروی در اول دسمبر ۱۹۴۴ (تیاروی Thiaroye شهری در شرق سنیگال) که ۷۰ کشته برجای گذاشت (1) یاد کنیم. ارتش فرانسه تیراندازان سنیگالی را که یگانه گناهشان مطالبه حقوق ماهیانه شان بود به شکل خونباری پاسخ گفت و سرکوب کرد.



تاریخ فراموش نشدنی: نقاشی دیواری در داکار به یاد کشتار تیاروی در ۱ دسمبر ۱۹۴۴

کشتار سطیف، قالمه و خراطه (شهرهائی در الجزایر) در ماه مه ۱۹۴۵، علیه مبارزان ملی گرائی که به شکل صلح آمیز در تظاهرات علیه استعمار فرانسه شرکت کرده بودند. این کشتارها بین ۳۰۰۰ تا ۸۰۰۰ کشته برجا گذاشت. این جنایات دولتی وقتی بیش از همیشه شرم آور به نظر می رسد که می بینیم سرکوب مبارزان استقلال طلب در روزهای به وقوع می پیوندد که فرانسه در حال بر پا کردن جشن پیروزی و "آزادی" اش از اشغال نازیهاست.

ایو بونو Yves Bonot در کتاب "کشتار در مستعمرات ۱۹۵۰-۱۹۴۴: چهارمین جمهوری و به زانو در آوردن کشورهای تحت سلطه استعمار فرانسه" (2) می گوید که در جنایات و کشتار شهروندان غیر نظامی طی عملیات ارتش فرانسه علیه مبارزان استقلال طلب، از کشتار رباط و فاس (در مراکش) به سال ۱۹۴۴، تا ساحل عاج در ۱۹۵۰-۱۹۴۹، و سپس کشتار (سطیف) ۱۹۴۵، (هایفونگ ویتنام در سال ۱۹۴۶)، کازابلانکا (۱۹۴۷) و ماداگاسکار (۱۹۴۷)، در مجموع، ده ها هزار مرد و زن و کودک در قربانگاه امپراتوری استعماری فرانسه به هلاکت رسیدند. ده ها هزار شهروند غیر نظامی به قتل رسیدند زیرا جسارت درخواست آزادی و مبارزه برای استقلال را به ذهنشان راه داده بودند.

به این فهرست باید ۴۴۲۸۲ الجزایری را اضافه کنیم که طی منازعات در فرانسه بازداشت شدند (3)، و هزاران نفر از مهاجران الجزایری در فرانسه زندانی و به اردوگاه ها محکوم کردند. به گفته بنیامین استورا Benjamin Stora تاریخشناس: "بین ۱۹۵۷ و ۱۹۶۲، بر اساس تخمین ۱۰۰۰۰ الجزایری پس از محاکمه بین یک تا دوسال در اردوگاه های دایر در فرانسه محکوم شدند. (4)

بی آن که آخرین کشتار استعماری در خاک خود فرانسه را فراموش کنیم که در ۱۷ اکتوبر ۱۹۶۱ در پاریس به وقوع پیوست. چند ماه پیش از استقلال الجزایر، پولیس فرانسه تظاهرات صلح آمیز الجزایری ها را با خشونت تمام سرکوب کرد. الجزایریها به حکومت نظامی که فقط برای افراد افریقای شمالی تبار اعلام شده بود اعتراض داشتند. سرکوب تظاهر کنندگان ده ها کشته و صدها مجروح بر جای گذاشت و حدود صد نفر نیز ناپدید شدند. رئیس پولیس فرانسه موریس پاپون Maurice Papon مدیریت این سرکوب را به عهده داشت، او در گذشته در مقام رئیس شهربانی ژیروند بین ۱۹۴۲ و ۱۹۴۴ جزء همکاران رژیم اشغالگر نازی در فرانسه بود.

یک بار دیگر در ۸ فبروری ۱۹۶۲، تظاهراتی که علیه سازمان نظامی سرّی به راه افتاده بود، با مداخله پولیس (همواره به فرماندهی موریس پاپون) سرکوب شد و ۹ کشته بر جای گذاشت (این رویداد به نام "واقعه ایستگاه متروی شارون" شهرت دارد). برای پوشش دادن به خشونت پولیسی، در سال ۱۹۶۶ قانونی را برای عفو جرائم مرتبط به امنیت دولتی در رابطه با رویدادهای الجزایر به تصویب رساندند، به ویژه برای جرائمی که بین اول ماه نومبر ۱۹۵۴ و ۳ جولای ۱۹۶۲ در چهارچوب عملیات پولیس دولتی و قضائی صورت گرفته بود. (5)

جای آن دارد یادآور شویم که استعمار و جنایاتی که به همراه داشت در موج استقلال در سالهای ۱۹۶۰ به پایان نرسید. در واقع به محض این که استعمار زدائی آغاز شد، روی همان ویرانه های ساختار استعماری و وقتی که هنوز آکنده از گرد و غبار و دود فرو پاشی بود، فرزند خلف آن، هیولای حریص نو استعماری پا بیه عرصه وجود نهاد.

در اینجا نیز ما از یادآوری فهرست جامع جنایاتی که در چهارچوب "فرانسه و افریقا" (6) (Françafrique) به وقوع پیوست خود داری می کنیم، و خواننده کنجکاو را به کتاب فرانسوا آگزاویه ورشاو (François-Xavier Verschave) و انتشارات [association Survie](http://www.association-survie.org) مراجعه می دهیم که بیش از ۳۰ سال است که بی وقفه منافع فرانسه در افریقا را افشاء می کنند: از جمله ماجرای Elf (شرکت نفتی در بطن شرکت توتال)، کشتار جمعی توتسی ها در رواندا در سال ۱۹۹۴، مداخله نظامی در ساحل عاج، مالی و در افریقای مرکزی، فعالیتهای شرکتهای چند ملیتی فرانسوی و امثال

اینها سیاست نو استعماری روی شبکه های نفوذی از نوع مافیائی متشکل از گروه های صنعتی، سیاسی و نظامی تکیه دارد، و منافع دولت فرانسه نیز به شکل خطرناکی با منافع شرکتهای فرانسوی در بخش خصوصی در هم آمیخته است (توتال، آروا، ونسی، بولوره، کاستل...) و در خدمت سیاستی به سر می برد که هیچ چیزی را به هیچ کسی هدیه نمی دهد. ژان لوئی کاستلنو (Jean-Louis Castelnu) ، رئیس هیأت نمایندگی در شورای فرانسه برای سرمایه گذاران در منطقه افریقا این موضوع را انکار نکرده و به روشنی می گوید " : آیا باید در افریقا سرمایه گذاری کنیم؟ البته ! اما انجمن خیریه نیستیم . اگر نفعی در افریقا نمی داشتیم به آنجا نمی رفتیم . علاوه بر این، شرکتهای بزرگی در این قاره حضور دارند." (7)

انجمن سوروی ([association Survie](#)) یادآور می شود که " غارت مواد اولیه در افریقا و بازرگانی محصولات تولید شده در مرکز فرآیند استعماری بود ." (8) غارت منابع افریقا (نفت، گاز، طلا، نقره، الماس، مس، کلتان، اورانیوم، پلاتین، منگنز، کاکائو، قهوه، کائوچو، پنبه، روغن نخل...) چیزی به جز تداوم سیاست خارجی فرانسه در قرن نوزدهم نیست که عبارت است از صدور سرمایه به مستعمرات نوین . این موضوع را ژول فری Jules Ferry روپس شورا در سال ۱۸۸۵ (سالی که کنفرانس برلن برگزار شد) توضیح داده است : " برای کشورهای ثروتمند، سرمایه گذاری در استعمرات مزیت‌های فوق العاده ای دارد (...). سیاست استعماری فرزند سیاست صنعتی ست . اروپا می تواند به مثابه اتاق بازرگانی تأویل شود که درآمدهایش در حال کاهش به سر می برد، زیرا وضعیت مصرف در اروپا به مرحله اشباع رسیده است." (9)

در نتیجه، بهره برداری از ذخایر طبیعی افریقا در پیوند با بزهکاری رهبران و دستیازی فرانسه به پول مشترک (فرانک سی اف ای franc CFA پول رایج در افریقا به ضمانت خزانه فرانسه)، فقط می تواند برای این کشورهای افریقائی مصیبت بار باشد : فقر مزمن، افزایش شکاف و نابرابری اجتماعی، نبود خودگردانی، از دست دادن حاکمیت در امور تغذیه و انرژی، بیکاری جوانان، تنش های اجتماعی و قبیله ئی ... کوتاه سخن این است که در چنین وضعیتی زمینه برای گسترش تروریسم بسیار مساعد به نظر می رسد و ریشه های آن را نیز می توانیم در ناامیدی نسل جوان مشاهده کنیم که هیچ چشم اندازی برای آینده خود نمی بیند.

ولی " ترور " تنها در پشت سر ما نیست و به گذشته منحصر نمی شود، امروز ما حتی در فرانسه با " ترور " روبه رو هستیم و پدیده ای ست که به روزمره ما تعلق دارد . برخی بر این باورند که " تروریسم دولتی " در آینده می تواند به این جریان مخرب نیز بال و پر بیشتری بدهد . در فیروری ۲۰۱۶ ، سازمان عفو بین الملل در گزارشی درباره وضعیت حقوق بشر در جهان، از کشور فرانسه برای سیاست آزادی ستیزش که به نام مبارزه علیه تروریسم به اجرا گذاشته، نام برده است . مقررات مربوط به " تقویت حفاظتی "، بستن سایتهای اینترنتی، تحت تعقیب قرار دادن افرادی که برای تروریسم تبلیغ می کنند، بازرسی و حبس خانگی بدون کنترل قاضی، منع تظاهرات " به پیکره قانون استثنائی تعلق دارند که " به شکل اغراق آمیزی حقوق فردی را پایمال می کند و در برخی موارد حاکی از تبعیض است " . (10)

مدیریت اسفناک "بحران مهاجرت"، شرایط غیر انسانی "جنگل" کاله (منطقه ای در فرانسه)، اخراج اجباری، سرکوب پولیسی، بازداشت اختیاری در وضعیت اضطراری، و توافقات همکاری با کشورهایی که شکنجه را مجاز می دانند، از جمله اموری ست که نام فرانسه را قاطعانه در فهرست کشورهای هائی به ثبت رسانده که تروریسم دولتی را اعمال می کنند.

[Investig'ActionSource](#):

Notes:

[1] . Armelle MABON, " [Sénégal : le camp de Thiaroye, part d'ombre de notre histoire.](#) ", *Liberation.fr*, 25 décembre 2012.

[2] . Yves BENOT, *Massacres coloniaux : 1944-1950 : la IVe République et la mise au pas des colonies françaises*, Paris, éd. La Découverte, 2001.

[3] . Benjamin STORA, " [Camps d'internement en métropole pour "suspects" algériens de La guerre d'Algérie in L'Histoire N° 140, janvier 1991](#) ", *Univ-paris13.fr*, janvier 1991.

[4] . *Idem.*

[5] . " [L'affaire du métro Charonne](#) ", *Grand Larousse encyclopédique*.

[6] . Néologisme popularisé par le livre de François-Xavier Verschave : *La Françafrique, le plus long scandale de la République* (1998). Le terme " Françafrique " désigne les relations qu'entretient la France avec ses anciennes colonies africaines, à travers des réseaux d'influence politiques, diplomatiques, économiques, militaires, et culturels.

[7] . " [Les entreprises françaises en Afrique](#) ", *Survie.org*, 16 février 2010.

[8] . *Idem.*

[9] . Cité par Damien MILLET, *L'Afrique sans dette*, Syllepse, 2006, p. 29.

[10] . " [5 choses à savoir sur les droits humains en France](#) ", *Amnesty.fr*, 23 février 2016

: اصلی متن لینک

<http://www.investigacion.net/la-france-sponsor-des-terroristes-de-lesclavage-au-neocolonialisme-ya-bon-la-francafrique-910/>

توضیح مترجم:

کشتار سربازان سنگالی به دست ارتش فرانسه



۷۲ سال پیش از این، تیراندازان سنگالی در بازگشت از جهان دوم جهانی به اردوگاه انتقالی در ۱۵ کیلومتری مرکز داکار فرستاده شده بودند. اول ماه دسمبر ۱۹۴۴، طی تظاهرات این سربازان سنگالی که حقوق های عقب افتاده شان را مطالبه می کردند، ۷۰ نفر از آنان به دست ارتش فرانسه تیرباران شدند .

ترجمه حمید محوی

گاهنامه هنر و مبارزه- ۰۱ سپتمبر ۲۰۱۶